

# روان فیلم



قطعه‌ای که در این شماره برای شما قرار دادیم؛ یک قطعه مذهبی مسلوب می‌شود که داستان رنج مریم باکره در مصلوب شدن عیسی مسیح را روایت می‌کند و با کلمات «*stabaat*» آغاز می‌شود که یعنی «مادر غمگین ایستاده بود» این قطعه از ویوالدی ابراهامی مفتلفی دارد؛ در این شماره آن را با صدای اورلینسکی (که معروف است صدایی به وسعت آسمان دارد) قرار دادیم. امیدواریم از آن لذت ببرید.



# مجله روانفیلم

موضوع: علمی - هنری

شماره ۱ (طلوع): بهمن ۱۴۰۱

تعداد صفحات: ۱۵

صاحب امتیاز: کانون سینمایی کات

مدیر مسئول: عرفان طاهرخانی

سرمدبیر: امیرعلی گروه ای

گرافیسیت: پارسا محمدی نژاد

زیر نظر معاونت دانشجویی فرهنگی

دانشگاه علوم پزشکی تهران

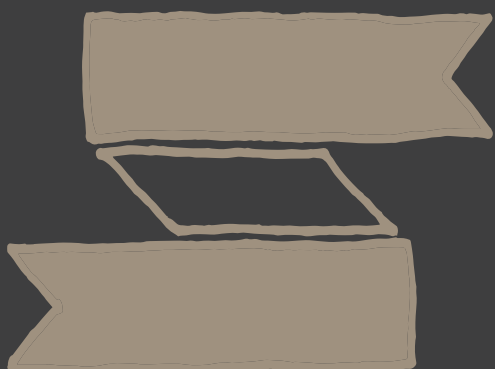
راه ارتباطی:

کانون سینمایی کات

[@cinema\\_cut](https://www.instagram.com/cinema_cut)

مجله روانفیلم

[@ravanphilm](https://www.instagram.com/ravanphilm)



# پیش درآمدی بر شکل گیری روانفیلم!

روان... اتاقی تاریک در پس کوچه های ذهن آدمی شکل گرفت و روان نامیده شد و آنگاه روان، آدم را شکل داد سیطره افکار و رفتارش را در دست گرفت و مسیر را دیکته کرد،

فلقت گری از دیرباز مفهومی است که با روان انسانی در هم تنیده ما همواره برنبال ابتدا می گردیم منشأ را بویا می شویم و قدرت را به پدید آورنده نسبت می دهیم و از آنچه می آفرینیم دفاع می کنیم و آن را به خود نسبت می دهیم با ورود ظرافت به دنیایی که انسان آفریده بود هنر جوانه زد و رشد کرد در این میان این آفریننده در پی به تصویر کشیدن آنچه بود که زندگی می نامید، زندگی با جوش و فروشش با زیبایی و گاه تاریکی هایش با عشق و بنونش با شیرینی و تلفی بر پرده ای نقره ای ظاهر شد و آنچه هنر هفتم می نامیم متولد شد. روان به سینما ورود کرد و سینما روان را هدف قرار داد تعاملی شکل گرفت و ما در بستر آن زیست کردیم مثل هر آنچه بر انسان اثر می گذاشت این نیز سرآغازی می شود برای شناخت، روانفیلم درپه ای است از نگاه ما برای نگریستن به این وادی.

این روان بود که انسان ها را در متن جامعه به حرکت واداشت تعاملات را رقم زد و داستان زندگی را جلو برد تعارضات را شکل داد و عاملی بر جنگ ها شد، خود اما تنها در سایه و پس پرده نظاره گر!

شناخت آنچه خود عاملی بر شناختن است اگر ممکن هم باشد تعریفش دشوار است اگر ابزاری بخواهد هم باید از خودش آن را وام گرفت اما نمی توان از ادراکش دست کشید فهمیدن اینکه انسان چگونه می نگرد و رفتارش را چه شکل می دهد کلیدی است بر دست یابی به هویت انسانی، روزه نوری است بر اصلاح و توفلی است در مسیر خود سازی و شکوفائی، این پشم اندازهای بزرگ است که شناخت روان را بر اهمیت و پر تکاپو می کند شناختی که در سایه روانپزشکی و روانشناسی حرکت می کند.

## سفن اول، طلوع: ...

تا به حال به این اندیشیده اید که فورشید، باورانه می درفش در مدار فویش و این ما هستیم که پا جای پای خود می نوییم و غروب می کنیم در هر پسین؟ در این جهان پر رمز و راز، این چه نیرویی است که می تواند همراه با زمین ما را به طلوعی دوباره بکشانند؟ این چه موهوبی است که ما را از غروب بیرون می کشاند و «پو بلا صبح که در گردش آورد ریمان»، باعث زندگی دوباره ما می شود؟ هر روز، میلیون ها معجزه از طلوع فورشید آغاز می گردد و هر صبح، همه چیز می تواند از نو شروع شود؛ شاید به همین دلیل است که آفتاب طلوع می کند. طلوع، ریشه امید آدمی ست یعنی این که انسان با خود بگوید: «صبح فواهر شد و به این کاسه آب آسمان هجرت فواهر کرد».

طلوع فقط یک انتظار نیست، تا تاریکی تمام شود؛ طلوع می تواند آغاز یک زندگی باشد. می گویند راز داشتن یک روز خوب، تماشای طلوع با قلبی باز است. گویی طبیعت گنبدینه هایش را با نفستین اشعه های فورشید به سمت انسان می فرستد. روان انسان، نیاز به یک آغاز و انتظار امیدگونه دارد تا از غروب بیرون بیاید. روانفیلم قصد دارد با نفستین اشعه هایش، طلوع کند تا آغازی باشد بر غروب روان ها. پس این شما و این طلوع. آن را با قلبی باز بفوانیر:



# عناوین

۳

تاریخچه ای کوتاه بر  
سینمای روان

۱

۸

سینما تراپی

۲

۱۰

معرفی فیلم

۳

۱۲

اختلاف!

۴



# تاریخچه ای کوتاه بر سینمای روان

روان پزشکی و روان شناسی به عنوان علوم مرتبط با روان، تاثیر زیادی بر فیلمسازان و آثار سینمایی داشته و محصولات هنر هفتم نیز اصطلاحات و مسائل این علم را در لایه های مختلف اجتماعی گسترده است. روان و موضوعات مختلف آن بیش از هر موضوع علمی دیگر در آثار سینمایی مطرح شده اند و این رسانه هنری نیز همواره آن را در ذهن ها زنده نگه داشته است. همان گونه که سینماگران به علوم مطالعه روان توجه نشان داده اند روان پزشکان و روانشناسان نیز به این هنر صنعت توجه دارند تا جایی که بر اساس نوشته «عباس موذن» بسیاری از دانشمندان علم روان شناسی، سینما را به یاری گرفته و از آن به عنوان هنر «نمایش ذهنیت» نام برده اند.

نقد روان شناسانه یکی از روش های پذیرفته شده و متداول در میان منتقدان ادبی و سینمایی سراسر جهان است که در مواردی حتی بیشتر از خود فیلم به تعمیق مسائل روان شناسی در جامعه کمک کرده است. برگزاری کارگاه ها و دوره های آموزشی سینما و روان نیز از مسائلی است که خبر یا اطلاعی آن گهگاه در رسانه ها درج می شود و بیانگر جدایی ناپذیری این دو مقوله از یکدیگر است.

مطرح شدن سینما درمانی یا فیلم درمانی در سال های اخیر اهمیت ارتباط این دو مقوله را دو چندان کرده است. عده ای نیز به جای تعامل مثبت بحث اثر سو سینما به ویژه برای کودکان و نوجوانان را مطرح کرده و حتی سینما را معادل مدرسه ای برای انحراف دانسته اند، تاثیر مخرب سینما بر رفتار انسان در آثار فیلمسازان مطرحی چون «میشل هانکه» نیز مورد توجه قرار گرفته و در فیلم ویدیوی بنی **Bennys Video** (۱۹۹۲) این کارگردان، نوجوانی تحت تاثیر فیلم های خشونت بار، دختری را به قتل می رساند.

هانکه در فیلم های بازی های مسخره یا خنده دار **funny games** (۱۹۹۷) و معلم پیانو **The Piano** (۲۰۰۱) نیز به مسائل

روان شناسی و نقش پر رنگ رسانه در زندگی انسان عصر حاضر توجه نشان داده است. البته که سینما همچون زندگی برآمده از هنر به تصویر کشیدن است و از هر واقعه ای هم می توان بستری برای رشد ساخت و هم پرتگاهی برای سقوط و این وابسته به ادراک مخاطب است و نمی توان انگشت اتهام را به این سمت نشانه گرفت. پرداختن به مسائل ذهنی در بستری دراماتیک ویژگی بیشتر





فیلم های روان محور است که پیگیری مسائل این علم را با توجه به توانمندی فیلمساز برای مردم جذاب کرده است. فیلمسازان از علم روان برای غنی کردن آثار خود و تاثیر بر اذهان مخاطبان بهره گرفته و با استفاده از روش های متعدد سعی در نمایش حالت های مختلف مسائل روانی انسان کرده اند.

مشکلات و یا حالات روحی و روانی در برخی فیلم ها به طور مستقیم مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در برخی دیگر از آثار سینمایی این مسائل جنبه حاشیه ای داشته و برای توجیه رفتار شخصیت و یا یک عمل استفاده می شود.

سعی در انتقال حس شخصیت ها به تماشاگر با استفاده از مسائل روان شناسانه از دیگر مواردی است که سینماگران را با این علم پیوند داده و حتی موجب نوآوری های زیادی در این خصوص شده است. بیشتر فیلم های ترسناک یا گونه وحشت از جمله سکوت بره ها (۱۹۹۱) و گاتیکا به مسائل روان شناسی توجه نشان داده و مفاهیم این علم را در داستان خود به کار گرفته اند.

فیلم گاتیکا ساخته سال ۲۰۰۳ «تیو کاسوویتز» با استفاده به جا از تصویر در آینه و نیز دیالوگ های مناسب، روایتی سینمایی از برخی مفاهیم روان شناسی از جمله توهم و تشخیص خیال از واقعیت به دست داده است.

برخی سینماگران در فیلم های خود برای توجیه رفتار انسان به اصول شناخت روان در مکتب فروید (اصل محوری مکتب فروید توسل به توجیه کنش ها و واکنش ها مبتنی بر دو سائق اصلی خشم و شهوت می باشد) توسل جسته اند.

فیلم مطب دکتر کالیگاری که از آن به عنوان نخستین فیلم روان شناسی تاریخ سینما یاد شده، علاوه بر مطرح کردن مسائلی مثل هذیان، جنون و میل مفرط، سعی کرده با استفاده از ترندهای ذهن مخاطب را تحت تاثیر قرار دهد. این فیلم با نام انگلیسی **The Cabinet of Dr. Caligari** محصول سال ۱۹۲۰ آلمان به کارگردانی «رابرت وینه» است.

کتاب تاریخ سینما نوشته «آرتور نایت» (۱۹۱۶-۱۹۹۱) با ترجمه «نجف دریابندری» اولین اثری که روانکاوی به صورت جدی در آن مطرح شده را فیلم اسرار یک روح ساخته سال ۱۹۲۶ «جی دبلیو پابست» می داند که تحت نظر دو نفر از پیروان «زیگموند فروید» یعنی دکتر «هانس زاخر» و «کارل آبراهام» تولید شده و در آن مردی که از کابوس های وحشتناک رنج می کشد با مراجعه به یک روانکاو درمان می شود.

محققان حیطه روان تاثیر رسانه ها و به ویژه سینما بر ذهن و روان و به تبع آن رفتار انسان ها را مورد مطالعه قرار داده و سینماگران نیز زندگی دانشمندان این رشته را به تصویر کشیده اند که نمونه آن فیلم «یک روش خطرناک **the dangerous method**» ساخته سال ۲۰۱۱ «دیوید کرانبرگ» درباره گوشه هایی از زندگی دو تن از سردمداران روان شناسی یعنی یونگ و فروید است.

وقتی نیچه گریست **When Nietzsche Wept** (۲۰۰۷) به کارگردانی «پینچاس پری» از دیگر فیلم هایی است با روایت گوشه هایی از زندگی نیچه (فیلسوف معروف آلمانی) و مشکلاتی که به آن دست و پنجه نرم میکرد در قالب تعاملاتش با یک روانپزشک که بر مبنای کتابی با همین نام از اروین یالوم به تصویر کشیده شده.

آشنایی با دنیای ذهنی یک بیمار روانی از طریق تصویرگری رفتار او در فیلم جزیره شاتر ساخته «مارتین اسکورسیزی» با تعریف دکتر «حمزه گنجی» در کتاب روان شناسی عمومی از این علم مطابقت دارد زیرا این نویسنده، روان شناسی را مطالعه غیر مستقیم روان یا ذهن از روی رفتار و عملکردها تعریف کرده است.





به اعتقاد این نویسنده، ذهن یا روان را تنها می توان به صورت غیر مستقیم و بر اساس جلوه های خارجی آن و به کمک آن چه انسان ها می گویند و انجام می دهند و حتی کارهایی که نمی کنند و یا حرف هایی که نمی زنند، شناخت، کاری که در تصاویر و دیالوگ های بسیاری از فیلم ها دیده می شود و برخی نگفتن های شخصیت فیلم جزیره شاتر نیز کلیدی برای راه یافتن به ذهن او است.

در این محصول سینمایی سال ۲۰۰۹ یک مامور ایالتی به نام «تدی دانیلز» (لئوناردو دی کاپریو) به جزیره ای می رود تا در مورد فرار یک بیمار از تیمارستان تحقیق کند. تحقیق درباره راز قتل همسرش یکی از انگیزه های او برای پذیرش این ماموریت است.

برخی منابع گستره علوم روان را به مطالعه در رفتار حیوانات نیز بسط داده اند که این مهم نیز در آثار سینمایی به ویژه فیلم های اقتباسی از آثار «جک لندن» نمود یافته است. فعالیت علمی برخی از محققین حیطه روان از جمله «آزمایش زندان استنفورد» که به سرپرستی دکتر «فیلیپ زیمباردو» در دانشگاه استنفورد در سال ۱۹۷۱ انجام شد، نیز مورد توجه دست اندرکاران هنر هفتم قرار گرفته است.

(در این آزمایش داوطلبان شرکت در برنامه به ۲ گروه زندانی و زندانبان تقسیم و با پوشیدن لباس مخصوص و قرار گیری در شرایط مشابه نقش خود را ایفا می کردند که با گذشت زمان محقق می توانست چگونگی شکل گیری خشونت و رفتارهای ستیزه جویانه و تنبیه گرانه را در دسته افراد زندانبان مشاهده کند شدت این شکل گیری به حدی بود که برنامه زودتر از موعد در نظر گرفته شده متوقف شد.) فیلم **The Experiment** (آزمایش) محصول سال ۲۰۱۰ میلادی به کارگردانی «پل شیورینگ» و هنرنمایی «آدرین برودی» با توجه به این آزمایش ساخته شده و یادآور فیلمی آلمانی به همین نام ساخته سال ۲۰۰۱ و مستندی است که در سال ۱۹۹۲ در این خصوص ساخته شده است. در این فیلم تاثیر محیط بر شخصیت و رفتار انسان ها و مسائلی چون تحقیر، آزار دیگران، ترس، خشم، رفتار ناشی از عضویت در گروه، امید و تلاش به تصویر کشیده شده است.

بسیاری از فیلمسازان در خلق آثار خود به مسائل حیطه روان به ویژه نظریه های یونگ درباره شخصیت توجه داشته اند تا جایی که تا کنون فهرست های متعددی از اینگونه فیلم ها و ارتباط آنها با نظریه های این روانکاو در فضای اینترنت و به ویژه وبلاگ ها درج شده است.

این نکته مورد توجه «ویلیام ایندیک» نویسنده کتاب روان شناسی برای فیلمنامه نویسان با ترجمه «محمد گذرآبادی» نیز قرار گرفته که نوشته است: عجیب است که بعد از کمرنگ شدن جایگاه و نفوذ روانکاوی در محافل دانشگاهی، اهمیت آن در سینما و به طور کلی داستان گویی، روز به روز بیشتر می شود و دیدگاه های یونگ اکنون به یکی از منابع مهم الهام برای فیلمنامه نویسان تبدیل شده است.

برخی از تحلیلگران آثار سینمایی و ادبی نیز نظرات یونگ را در بررسی آثار مورد توجه قرار داده و نکته های ظریفی از ارتباط این دو حوزه را مورد کنکاش قرار داده اند. فیلم قوی سیاه **Black Swan** محصول سال ۲۰۱۰ آمریکا به کارگردانی «دارن آرونوفسکی» و نقش آفرینی «ناتالی پورتمن» از جمله آثاری است که با توجه به روان شناسی یونگ مبنی بر وجود دو وجه سیاه و سپید شخصیت، خوبی و بدی، زنانگی و مردانگی، شر و خیر قابل بررسی است.

یونگ برای توصیف جنبه ناخودآگاه زنانه شخصیت یک مرد از کلمه «آنیما» و برای جنبه مردانه شخصیت یک زن از کلمه «آنیموس» استفاده می کرد و معتقد بود که این جنبه ها اهمیت به سزایی در نوع رفتارهای انسان دارند. حتی در فیلم وسترن شین **Shane** (۱۹۵۳) که شین (آلن لد) نقش قهرمان یا شوالیه سفید و ویلسون (جک پالانس) نقش تبهکار یا شوالیه





سیاه را بازی می کند نیز به نظریه های یونگ توجه شده است، زیرا در روان شناسی یونگ، کهن الگوی رقیب یا تبهکار به عنوان سایه در مقابل قهرمان یا پرسونا قرار می گیرد. فیلم پرنده کوچک خوشبختی ساخته سال ۱۳۶۶ «پوروان درخشنده» یکی از فیلم هایی است که مسئله روان شناسی و روانکاوی در آن مورد توجه بوده و در آن دختر ناشنوا پس از پی بردن به گذشته خود، درمان می شود.

فیلم مصائب ژاندارک ساخته سال ۱۹۲۷ کارل تئودور درایر دانمارکی، یکی از نمونه های کلاسیک بهره سینمایی است که از نماهای شخصیت ها و نیز استفاده بیان حالات درونی آنان،

وینه در فیلم مطب دکتر و نورپردازی برای بیان بهره برده و «کوئینتین را بکش kill bill» (۲۰۰۳) تاریک و با کمک صداهای حال یک شخص زنده به است.

هیچکاک ضمن طرح

مسائل روان شناسانه از تاثیر آنها بر بیننده سود جسته و فیلم های ترسناکی مثل روانی psycho را خلق کرده اند. هیچکاک در این اثر با استفاده از زبان سینما و با به کارگیری عنصر تعلیق به تدریج از عقده های روحی، باور نکردن حقیقت و دوگانگی شخصیت پرده بر می دارد و به بررسی زوایای روان انسان می پردازد. مراحل ساخت فیلم روانی دستمایه تولید اثری سینمایی به نام «هیچکاک» قرار گرفته که در آن بخشی از شخصیت این کارگردان بزرگ از نظر هنری و روانی به تصویر کشیده شده است. روانکاوی که بنا به نوشته دکتر گنجی، یکی از مکتب های روان شناسی است که بر اساس آن، انسان نه به طور تصادفی و ارادی، بلکه بر اساس انگیزش های درونی، آرزوهای سرکوب شده یا ناآگاه عمل می کند، نیز تاثیر به سزایی بر هنر هفتم گذاشته است.

در روانکاوی درمانگر به بیمار کمک می کند تا به اعماق ذهن خود پی برده و علت رفتارهای خود را بداند.

«رومن پولانسکی» فیلمساز معروف فرانسوی لهستانی الاصل نیز در فیلم کشتار carnage مسائل روحی و روانی و اختلافات ناگفته و پنهان خانوادگی را علت قتل و جنایت در جامعه قلمداد کرده است. این فیلمساز در فیلم بچه رزماری Rosemarys Baby نیز توهم توطئه، تنهایی انسان و حس مادری را در قاب تصویر قرار داده و با شکستن مرز واقعیت و خیال بر ذهن بیننده اثر می گذارد.

در فیلم پناه بگیر Take Shelter محصول سال ۲۰۱۱ و به کارگردانی «جف نیکولز» و با بازی درخشان «میشل شانون» مشکلات روانی شخصی که همه او را خوشبخت می دانند به شکل تاثیر گذاری با استفاده از تصویر رویاها و تاثیر آن بر سایر جنبه های زندگی به تصویر کشیده شده است. در این فیلم، کتابی با عنوان شناخت بیماری های روانی معرفی می شود و مسائلی چون هذیان، اسکیزوفرنی، اختلال گفتاری، توهمات و اختلالات کوتاه مدت مطرح می شود.

فیلم دفترچه ای با خطوط نقره ای Silver Linings Playbook (۲۰۱۲) به کارگردانی «دیو او راسل» و با نقش آفرینی «بردلی کوپر» و «جنیفر لارنس» از دیگر آثاری است که به طور مستقیم به اختلالی در حیطه



گیری از ترندهای درشت از صورت از زاویه دوربین برای بهره برده است. فیلمسازی چون کالیگاری از سایه روش مسائل عمیق روانی تارانتینو، در فیلم بیل با نمایش یک صفحه خارج از قاب، حس و گور را بیان کرده فیلمسازی چون





روان به نام اختلال دو قطبی (bipolar) پرداخته است.

اهمیت فیلم های این زمینه به حدی است که مجله های سینمایی نسبت به انتخاب و معرفی فیلم های روان شناسانه تاریخ سینما اقدام کرده و برای نمونه مجله توتال فیلم، پرتقال کوکی **the clockwork orange** ساخته معروف سال ۱۹۷۱ «استنلی کوبریک» را به عنوان بهترین فیلم روان شناسانه تاریخ سینمای جهان معرفی کرده است. داستان این فیلم درباره «الکس»، جوان شرور و خلافکاری است که به اتهام قتل زنی به زندان می افتد و در آنجا با روش جدیدی برای اصلاح خلافکاران تحت درمان قرار می گیرد.

فیلم ویل هانتینگ نابغه (خوب) **Good Will Hunting** محصول ۱۹۹۷ ساخته «گاس ون سنت» در رتبه دوم این نشریه قرار دارد که در آن یک روان شناس تلاش می کند تا موفقیت ویل که یک نابغه ریاضی است را تضمین کند.

فیلم دیوانه از قفس پرید با عنوان اصلی پرواز بر فراز آشیانه فاخته **One Flew Over the Cuckoos Nest** در مکان سوم بهترین فیلم های روان شناسانه تاریخ سینما از نظر این نشریه قرار دارد که در آن «رندل مک مورفی» با بازی «جک نیکلسون» به جرم تجاوز دستگیر و برای بررسی وضعیت روانی اش به بیمارستان ایالتی فرستاده می شود و در آنجا با مقررات سخت و غیرانسانی تیمارستان که توسط زن سرپرستار اعمال می شود، مخالفت می کند.

فیلم یک ذهن زیبا **A Beautiful Mind** ساخته سال ۲۰۰۱ «ران هاوارد» با بازی «راسل کرو» در رده بعدی فهرست نشریه توتال فیلم قرار دارد که با نیم نگاهی به فیلم ویل هانتینگ نابغه، گوشه هایی از زندگی «جان نش» ریاضیدان برنده جایزه نوبل و بیماری روان گسیختگی او را به تصویر کشیده است.

فیلم پروانه و زنگ شیرجه **the diving bell and the butterfly** ساخته سال ۲۰۰۷ «جولین شناپل» در مکان پنجم فهرست این نشریه قرار دارد که خیالات، حالات روحی و توانمندی ذهنی فردی که پلک زدن تنها راه ارتباط او با جهان خارج است را به تصویر کشیده است.

بررسی فیلم های روان شناسانه نشان می دهد که روایت خشک و مستندگونه از برخی مسائل علمی نقطه ضعف برخی از آنها است که بیننده را خسته و کسل کرده و از ادامه تماشای فیلم باز می دارد. هر چند استفاده از مشاوران متخصص در این زمینه همانگونه که اکنون در برخی فیلم ها و سریال ها شاهد آن هستیم امری ضروری است ولی فیلمسازان در وهله نخست باید خود را پایبند داستان و روایت دراماتیک بدانند.

بر اساس نوشته های «آرتور نایت» در کتاب تاریخ سینما بعد از دلزدگی مردم از فیلم های واقعگرا و خبری در اوائل قرن بیستم، داستان به کمک سینما آمد و باعث نجات این هنر صنعت شد، اکنون نیز روایت مناسب داستانی بهترین راه القای اندیشه های فلسفی و مسائل علمی از طریق پرده سینما است.





همیشه ناپک نرینا لحنه روز

قبل از طلوع خورشید

فرا مه اسلا

# سینما تراپی

در طول تاریخ، بشر اختراعات و ابداعات زیادی داشته، سینما از آن اختراعات بشر است که هر چقدر از زمان شروع آن، که صرفاً از چسبیدن چند تصویر به هم ساخته شده بود، گذشت بر پیچیدگی‌های آن افزوده شد. سینما دیگر صرفاً چسبیدن چند تصویر به هم نیست؛ سینما زندگی‌ها را به هم پیوند

می‌زند، وسیله‌ای است برای بیان مفاهیم. همچنین در هدف‌گذاری‌های سیاسی، اهمیت بالایی دارد؛ چرا که سینما چه در اجرای سیاست‌ها و چه در ترغیب مردم به سیاست خاص (یا به عبارت دیگر تبلیغ سیاست‌ها) و موارد دیگر دارای قدرت و کاربرد است. جدا از این موضوع که مربوط به سیاستمداران است یا کاربردهای آن در موارد اجتماعی دیگر، در حوزه فردی، دیدن فیلم می‌تواند مزایای دیگری غیر از سرگرمی داشته باشد. قبل از ادامه دادن به این بحث، باید گفت به هر چیزی اگر «بسیار» اضافه کنیم؛ تباهی است. بسیار فیلم دیدن تباهی است. هر چیزی که شما را از زندگی دور کند مضر است و سینما هم از این قاعده مستثنی نیست. اما تماشای فیلم، برای بسیاری از اختلالات روانی، قابلیت درمانی دارد یا می‌تواند پیش‌گیری‌کننده‌ی بیماری یا تسهیل‌کننده درمان باشد.



## 1. Best Mood

شاید این عبارت خیلی جامع باشد و واقعاً هم هست. «دیدن فیلم، باعث تقویت خلق و خوی و مود انسان می‌شود.» اولین سوالی که مطرح می‌شود این است که: تقویت خلق و خوی چه لحاظی؟ منظور از تقویت خلق و خوی در این جا «کمتر کردن استرس و افسردگی» است و حالا سوال دوم که مهم‌تر هم هست مطرح می‌شود و آن این است که: چطور این موضوع می‌تواند رخ بدهد؛ وقتی که حتی همه فیلم‌ها مشابه هم نیستند؟ جواب این سوال این است که وقتی درباره تماشای فیلم صحبت می‌کنیم، یکی از شاخصه‌های اصلی آن لذت بردن است. فیلم دیدن و به طور کلی فعالیت‌های لذت بخش در کم کردن استرس و در تسهیل درمان افسردگی کمک‌کننده‌اند.

البته بررسی بیماری‌ها بسیار پیچیده است. عوامل زیادی تأثیر گذار است و بسته به میزان استرس و افسردگی و یا عامل آن و یا نوع آن، نوع درمان آن از طریق سینما و



اثر گذاری آن نوع درمان متفاوت خواهد بود. فعالیت‌های لذت بخشی که باعث تمرکز می‌شوند ذهن نامنظم می‌دهند. از طرفی مرکز از این رو کاهش استرس فیلم است. این کاهش دیگری هم به دنبال و افکار حواس پرتانه کنار بروند؛ انسان به می‌شود و به اصطلاح دیگر، انسان



و پراکنده ما را سامان لذت را هم فعال می‌کنند. مهم‌ترین مزیت دیدن استرس می‌تواند پیامدهای داشته باشد. وقتی نامنظمی که باعث استرس می‌شدند تولید کننده بهتری تبدیل خلاق تر می‌شود. به عبارت با دیدن فیلم، از

حالت **burn out** به **motivated** تغییر فاز می‌دهد.

## 2. The main definition of cinema therapy

سینما تراپی، در اصل یک تکنیک اصولی برای درمان در روانپزشکی است. چیزی که تا این جا گفته شد در تسهیل درمان می‌توانست کمک کننده باشد. اما سینما تراپی یک تکنیک جذاب برای درمان اختلالات روان است. این درمان، به این صورت است که بیمار را در معرض کاراکتر فیلمی قرار می‌دهیم که موقعیت احساسی مشابهی با خودش دارد. «دیدن فیلم با کاراکتری که مشکل بیمار را دارد و تمرکز فرد بر روی آن کاراکتر در هنگام تماشای فیلم»، شاید تعریف بهتری از این روش درمانی باشد. این درمان همچون سایر روان‌درمانی‌ها آن قدر حساس است که باید توسط یک فرد متخصص صورت بگیرد. علاوه بر شخصیت، خود فیلم، موتیف، تم، پیرنگ‌ها همگی باید در راستای موقعیت بیمار باشند.

این درمان صرفاً دیدن فیلم نیست و بسته به نوع اختلال، می‌تواند دارای تمریناتی در حین، و قبل و بعد از دیدن فیلم باشد. همچنین بسته به علت متفاوت یک اختلال مشابه یا بسته به نوع اختلال، ممکن است صرفاً موقعیت احساسی یا به طور کلی صرفاً موقعیت کاراکتر مشابه فرد بیمار باشد اما اختلالی در شخصیت نباشد. در اصل در این درمان، به فرد آموزش داده می‌شود که موضوع را از منظر دیگری ببیند. یا تشویق می‌شود که راه‌های دیگری برگزیند و نوع تفکرش را اصلاح کند. حتی در بعضی موارد فرد بیمار را به یادگیری از یک کاراکتر تشویق می‌کنند. برای همین است که می‌توان گفت سینما تراپی، شاخه‌ای از درمان شناختی رفتاری است. با دیدن فیلم و کاراکتر، فرد می‌فهمد که دچار خطای شناختی شده و همین قدم بزرگی برای درمان یک اختلال روانی است.

با توضیحاتی که داده شد، احتمالاً این نوع درمان، از هنر درمانی و تأثیر درمانی منفک

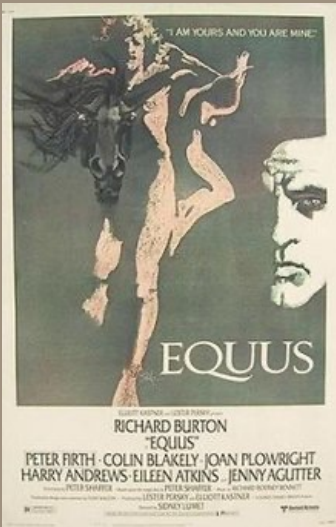


# معرفی فیلم

در شماره اول مجله روانفيلم، به معرفی فیلم‌هایی می‌پردازیم که در آن‌ها کاراکتر (شخصیت) روانشناس یا روانپزشکی وجود دارد که در یادها ماندگار شده. شخصیت‌هایی که به مانند خورشید در این فیلم‌ها طلوع می‌کنند؛ در شماره‌های بعدی ممکن است درباره هر یک از این فیلم‌ها صحبت بکنیم...

## 1. Martin Dysart - Equus

«ستوران» عنوان فیلمی از سیدنی لومت است؛ کارگردانی که او را با فیلم دوازده‌مرد خشمگین یا همکاری‌هایش با آل‌پاچینو در سرپیکو (با موسیقی میکس

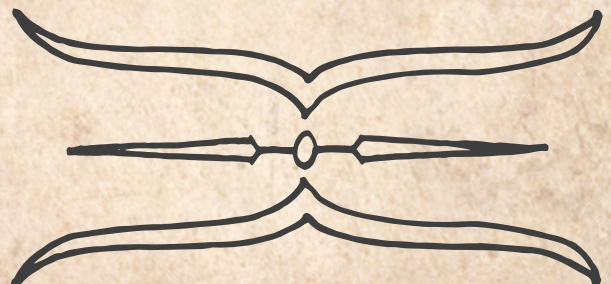
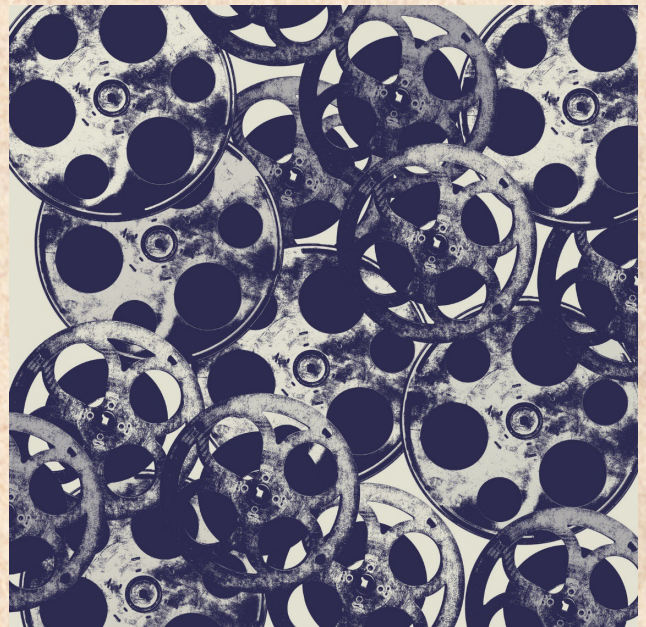


تئوداراکیس) و بعد از ظهر سگی می‌شناسیم. شخصیت دکتر مارتین دیزارت در این فیلم با بازی ریچارد برتون باعث

شد او هفتمین و آخرین نامزدی اسکارش را کسب کند. در این فیلم، یک نوجوان روان‌پریش تمام اسب‌های اصطبل را کور می‌کند و بعد دکتر مارتین با بازی ریچارد برتون با بررسی گذشته‌ی این نوجوان سعی در درمان او دارد.

شد اما نکته‌ی جالب این است که می‌شود این روش درمانی را با هنردرمانی تلفیق کرد. به طور مثال قبل از دیدن فیلم از بیمار خواسته شود موقعیت خاصی را طراحی کند یا فرض کند که در موقعیت خاصی قرار گرفته و مانند یک بازیگر به ایفای نقش پردازد. و بعد فیلم پخش شود و یا بعد از فیلم از فرد خواسته شود که در موقعیتی قرار بگیرد و یا هر دو. البته که این دو روش متفاوت هستند. اما با ترکیب این دو می‌توان هم به ابعاد مختلف اختلال پی برد هم درمان بهتری را صورت داد. چرا که بیمار در درمان خود نقش عمده دارد و مهمترین اکتشاف و درمان باید از درون خودش صورت بگیرد.

البته که همانطور که گفته شد درمان اختلالات روانی، ظرافت‌های خودش را دارد و باید توسط فرد متخصصی صورت بگیرد که با اختلالات روانی آشنایی کامل دارد و روش درمان را هم به خوبی بلد است. (روان‌درمانگر)





## 2. Robert Elliot - Dressed to kill

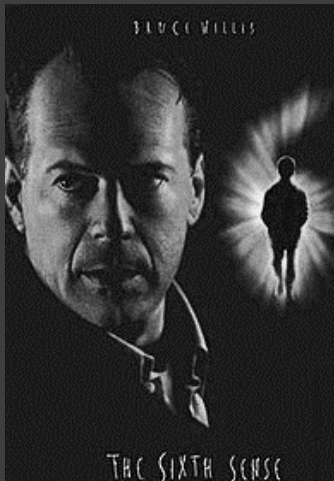
این فیلم با ترجمه فارسی «با لباسی خیره‌کننده» بدون شک یکی از شاهکارهای دنیای سینماست. مایکل کین بازیگری که با فیلم «شغل ایتالیایی» و مجموعه همکاری‌هایش با کریستوفر نولان شناخته می‌شود؛ یکی از بی‌نقص‌ترین بازی‌هایش را در این فیلم به نمایش گذاشته‌است. مایکل کین در این شاهکار برایان دی‌پالما (کارگردان فیلم



اسکارفیس) نقش روانپزشک را برعهده دارد. که گویی یک شخصیت دو قطبی دارد طوری که در طول روز یک پزشک منطقی و آرام است اما در شب به یک قاتل تبدیل می‌شود...

بیشتر از این هم داستان را لو نمی‌دم!

## 3. Malcolm Crowe - the Sixth sense



این فیلم، شاید معروف‌ترین فیلمی است که در این شماره معرفی می‌کنم. در اصل این فیلم ترکیب مباحث متافیزیک با روان انسان است؛ چیزی که نمی‌شود آن را منکر شد. شخصیت روانشناس این فیلم مالکوم کرو است که سعی در بهبود وضعیت یک کودک دارد؛ این کودک، پسر کوچکی است که ارواح را می‌بیند و از این موضوع می‌ترسد. بنابراین مالکوم کرو با او دوست می‌شود و سعی می‌کند به او کمک کند ...

## 4. Sean Maguire - Good will hunting

فیلم ویل هاتینگ نابغه به کارگردانی گاس ون سنت، یکی از شاهکارهای سینماست. رایین ویلیامز با بازی در نقش روانشناس در این فیلم آخرین جایزه اسکار خودش را گرفت. نقش او در این فیلم، به معنای واقعی کلمه یک طلوع بود. عامل تغییر و تحول، عامل حرکت و روشن‌بینی و ... به عبارتی دیگر در این فیلم، رایین ویلیامز یک فیلسوف طبیعی بود. دیالوگ‌های او در این

فیلم مهر تاییدی بر این ادعای من است. نویسندگی و بازی مت‌دیمون کارگردانی گاس ون سنت و درخشش رایین ویلیامز دلایل کافی را برای شما فراهم کرده‌اند تا این فیلم را ببینید.

انقدر این فیلم خوب هست که همینجا معرفی فیلم این شماره را به پایان برسانم! باز هم در شماره‌های بعدی فیلم معرفی خواهیم کرد...





# اختلاف!

همانطور که بیان کردیم تعاملات بین روانپزشکی و سینما بسیار گسترده می باشد سینما از نقطه نظرات مختلفی در بسیاری عرصه ها کمک شایانی به روانپزشکی و روانشناسی کرده و متقابلاً روانپزشکی دستمایه ای برای گسترش سینما شده اما همچون هر ارتباطی گاهی بدون در نظر گرفتن برخی محدودیت ها یکی از طرفین رابطه می تواند برای دیگری مخرب بشمار برود این قسمت مقاله ای از انجمن روانپزشکی شانگهای در این زمینه می باشد:

روانپزشکی به سرعت از دوران تاریک پناهگاه ها و شکنجه ها به نور حقوق بشر و تفسیر عصب زیستی تبدیل شده است. مسیری که آن را طی کرد، چندان آسان نبود. حتی اکنون، در قرن بیست و یکم، ما خود را در حال مبارزه با انگ و رفتار وحشیانه یک جامعه جاهلانه می بینیم. به درستی گفته شده است که «چشم نمی تواند چیزی را ببیند که ذهن نمی داند». به همین ترتیب، ما هرگز درد نبرد غیبی را که یک بیمار روانی در درون خود و همچنین با دنیای بیرون می کشد، درک نمی کنیم. سینما رسانه قدرتمند و ابزار تحول اجتماعی است. اما، هنر کاملاً بی طرفانه نیست. در عصر حاضر سینمای حوزه پزشکی مانند یک سکه دو رویی است. در حالی که سینما از یک سو می تواند با نمایش حساس برخی از اختلالات روانپزشکی در سینما به بهبود آگاهی از اختلالات و در نتیجه بهبود رفتار کمک طلبی کمک کند، از سوی دیگر، تصویری کلیشه ای از اختلال روانی، تصویر خشونت آمیز از بیماران روان پریش و در نهایت شیطان سازی داریم. آنها به عنوان قاتلان روانی، هیجان گرایی در ارائه یک فروپاشی روانی مانند خودکشی، و جرم انگاری غیر ضروری درمان روانپزشکی وضعیت دشوار را بدتر کرده است. همچنین، نمایش رویکردهای روانپزشکی و درمانی در سینمای هند و همچنین سینمای غرب به همان اندازه کلیشه ای، مضحک و انگ محور بوده است. نشان دادن آنچه مردم می خواهند - خشونت. این رسانه برای رایج کردن مضامین روانپزشکی در بین بینندگان، که اکثراً افراد غیر روحانی هستند، بیشتر بر درگیری های تک قطبی تمرکز می کند تا دیدگاهی کلی. در این مقاله سعی شده است تأثیر کلی دنیای جادویی سینما بر روانپزشکی بررسی شود.

خشونت از اوایل دهه ۹۰ موضوع اصلی فیلم ها بوده است. اثر اصلی آلفرد هیچکاک، روانی psycho

## ۱. خشونت

(۱۹۶۰)، خشونت را به عنوان نمونه اولیه علائم روانپزشکی نشان می دهد. در اینجا، یک فرد ساکت که حتی یک مگس را نمی کشد به یک قاتل زنجیره ای شنیع تبدیل می شود. این یکی از اولین ژانرهای «قاتل روانی» بود. به همین ترتیب، اقتباس سینمایی رمان، «روان آمریکایی» اثر برت ایستون ایس، با به تصویر کشیدن خشونت و رابطه جنسی خونین، از درک عمومی از بیماری روانی سوء استفاده کرد. تعداد بی شماری فیلم از آن زمان با همین ایده ها ظاهر شده اند. چند عنوان معروف که شایان ذکر است عبارتند از: M (۱۹۳۱)، بوسه پروانه (۱۹۹۵)، هفت (۱۹۹۶)، باشگاه مبارزه fight club (۱۹۹۹)، ایچی قاتل Ichi





**the Killer** (۲۰۰۱)، پناهندگی (۲۰۰۵).  
فیلمسازان تقریباً فراموش کرده اند  
که بخش دیگری از روان پریشی وجود  
دارد - علائم منفی. با این حال، چند فیلم  
مانند **The Machinist** (۲۰۰۴) آن را به  
طرز شگفت انگیزی به تصویر کشیده اند.  
بازنمایی سینمایی تصویر واقعی را چنان  
تحریف کرده است که حتی پزشکان نیز در  
مورد تفاوت بین قتل روان پریشی و روان پریشی سردرگم می شوند.

## ۲. نقض مرز

در دنیای واقعی، روانپزشکان به ندرت  
درگیر یک رابطه عاشقانه با بیماران خود  
هستند. این پدیده بسیار نادر و غیراخلاقی  
در بسیاری از فیلم ها به تصویر کشیده شده  
است. فیلم هندی «کیون کی» **Kyon Ki**  
رابطه عاشقانه یک بانوی پزشک و بیمارش  
را به تصویر می کشد که منجر به مرگ  
بیمار می شود. همچنین در فیلم های مشابه،  
مانند طلسم شده **Spell Bound** (۱۹۴۵)،  
شاهزاده جزر و مد (۱۹۹۱) و ژاکت (۲۰۰۵)  
درمانگران زن مرزهای پزشک را زیر پا گذاشتند. اگرچه این داستان ها جذاب بود، اما  
پیام اشتباهی در مورد صداقت پزشکان می داد.



## ۳. ملودرام پرشور

خودکشی همیشه یک تم پر شور برای جذب مردم به صفحه نمایش است. رسانه ها  
آنقدر آن را تبلیغ کرده اند که جنبه دردناک خود را از دست داده است. فیلم هایی مانند  
پل (۲۰۰۶) تکنیک های خودکشی را اغراق آمیز می کردند. به نظر می رسد چند فیلم  
نشان می دهند که خودکشی تنها راه حل بیماری روانی یا اعتیاد است. به عنوان مثال،  
فیلم هندی «Ashiqui ۲» است که در آن خواننده ای که از اعتیاد به الکل رنج می برد  
احساس می کرد تنها راه حل این است که خودکشی کند به جای مراجعه به روانپزشک.  
در عشق و خودکشی (۲۰۰۶)، یک عاشق سابق که متوجه شد در جدایی از دوست دختر  
همجنسگرای فقید خود اشتباه کرده است،  
احترام ابدی خود را با خودکشی نشان داد.  
همچنین، غم و اندوه در فیلم هایی مانند  
باد زده (۲۰۰۴)، میچ بر: داستان عشق  
(۲۰۰۶) و زیر پوست (۱۹۹۷) به طور  
نادرست نشان داده می شود.





## ۴. مواد مخدر و نمایشنامه

فیلمسازان در این زمینه کارهای خوبی انجام داده اند. یک فیلم شگفت انگیز مالایایی



به نام «روح» ساخته موهان لال واقعاً این مشکل جدی جامعه و نیاز به درمان را نشان می دهد. «قلب دیوانه (۲۰۰۹)» اثربخشی گروه الکلی های ناشناس را نشان داد و هزاران قلب را به دست آورد. «مبارز» (۲۰۱۰) داستان واقعی برادری و رهایی از اعتیاد به کوکائین را به تصویر می کشد. این فیلم ها ثابت

کردند که با پیام های خوب می توان فیلم های تجاری ساخت. فیلم های بی شماری وجود دارد که پیامدهای منفی اعتیاد به الکل را نشان می دهد، مانند «خون خواهد بود» (۲۰۰۸)، «نیکسون» (۱۹۹۵)، «نه به دهان» (۱۹۹۸) که می توان از آن ها استفاده کرد.

## ۵. اختلالات خلقی در فیلم

سفر با «ملت پروزاک» آغاز شد که مراحل افسردگی را به زیبایی توصیف می کرد. نویسنده رمان از ایالات متحده به عنوان «ایالت متحده افسردگی» یاد کرده است. این اپیدمی افسردگی در دوران قبل از دارو و اثرات انقلابی داروهای ضد افسردگی مانند فلوکستین

سوی دیگر، **The** **playbook** شرحی ارائه می دهد که با می کرد. اینها تنها با این حال، عشق را بالاتر از گویی عشق می ها را درمان کند، افسردگی. در واقع «شمال ۲۴ کاتا»



را نشان داد. از **Silver Linings** الهام بخش از فردی اختلال خلقی مبارزه چند نمونه هستند. بسیاری از فیلم ها درمان می دانند، تواند همه بیماری چه اسکیزوفرنی یا در فیلم هایی مانند

عشق حتی می تواند **OCD** (اختلال وسواس اجباری) شدید را درمان کند.

**ECT** **electro convulsive therapy** یک درمان جادویی برای اختلالات خلقی و اسکیزوفرنی است که همیشه توسط فیلمسازان مورد انتقاد و نمایش قرار گرفته است. این امر **ECT** را به یک تابو تبدیل کرد که منجر به اجتناب از آن در بیشتر موارد شد. در فیلم آکیرا، **ECT** با به تصویر کشیدن نادرست آن به عنوان ابزاری برای کنترل مردم و دیوانه کردن آنها مورد انگ شد. روانپزشکان باید زمان زیادی را صرف اثبات این موضوع کنند که ماهیت عجیب و غریب درمان نشان داده شده در فیلم ها در طول شوک درمانی بی اساس و غیرعلمی است.



# ۶. تصویرسازی اشتباه در بالیوود

گیریش بانواری تصویر روانپزشکان را در فیلم های هندی مطالعه کرد و دریافت که ۴۲,۴ درصد از روانپزشکان تصویر شده در بالیوود از نظر بالینی ناتوان هستند، تنها ۳۰,۳ درصد می توانند تشخیص دقیق



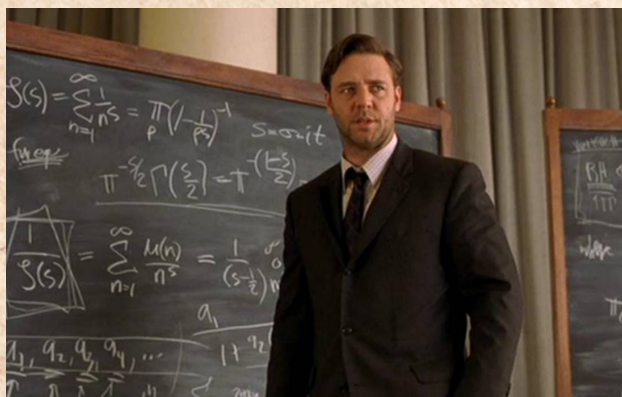
دهند، ۳۹,۴ درصد از آنها اخلاق حرفه ای را زیر پا گذاشته اند، ۲۴,۲ درصد موارد غیرجنسی را زیر پا گذاشته اند. ۱۵,۲ درصد مرزهای جنسی و غیرجنسی را نقض کردند و در نهایت نتیجه درمان تنها در ۲۳,۱ درصد از فیلم های تحلیل شده مثبت نشان داده شد. تصور کنید فردی که از یک بیماری روانی رنج می برد چقدر تشویق می شود که پس از چنین تصاویری به روانپزشک مراجعه کند، به خصوص در جامعه ای که از قبل مورد انگ واقع شده است!

حتی این ابر هم پوشش نقره ای خود را دارد! فیلم ها جنبه های مثبتی هم دارند. «ذهن زیبا» فیلمی برجسته بود که آسیب

# ۷. جنبه مثبت

شناسی روانی اسکیزوفرنی را در یک ریاضیدان افسانه ای، جان نش، به زیبایی به تصویر می کشید. سودمندی درمان کما با انسولین را نشان داد. احتمالاً هیچ فیلمی وجود ندارد که مراحل بیماری آلزایمر را بهتر از «لحظه ای برای یادآوری» توضیح دهد. دیالوگ های جذاب، «اگر همه چیز را فراموش کنی، من از هیچ جا ظاهر می شوم. مثل حالا. و من به تو ضربه خواهم زد شما نمی توانید من را رد کنید. ما هر روز یک کار جدید را شروع خواهیم کرد»، برای مدت طولانی در ذهن ما باقی می ماند. برخی از فیلم های هندی نیز به خوبی زوال عقل را نشان داده اند، مانند «آستو (زبان مراتی)»، «تانماترا (زبان مالایایی)».

در «شاوشنک»، «هرگز انعطاف پذیری و کنار آمدن غیرقابل غلبه را آموختند. کند»، «جان عزیز»، «اسم من مسائل عاطفی در اوتیسم را بر پریشانی روانی با کمک بسیار مورد استقبال هالیوود عنوانین معدودی که آن را است، مانند «ترس (۱۹۵۷)»، «قطع شده (۱۹۹۷)» و «آنتوان



فیلم هایی مانند «رستگاری عقب نشین» به ما اهمیت حتی در مواجهه با پریشانی «پسری که می توانست پرواز خان است» عناوینی هستند که برجسته می کنند. مبارزه و غلبه روش های درمانی، موضوع یا بالیوود نیست، اما تماشای نشان می دهند، قابل توجه «مردم عادی (۱۹۸۰)»، «دختر،

فیشر (۲۰۰۱)»، بیشتر اینها مستقیماً توسط روانپزشکان یا روانشناسان نظارت می شدند و از عمق دانش خوبی برخوردار بودند. با محدود کردن مخاطب به کارآموزان روان پزشکی، فیلم هایی نیز ساخته شده اند که ارتباط پزشک با بیمار، معاینه بیماران روان پزشکی، تشخیص را به تصویر می کشند و در نتیجه به آموزش این کارآموزان کمک می کنند و یادگیری را جذاب تر و بانشاط تر می کنند. در عصر پیشرفته تر، فناوری های واقعیت مجازی (VRT) فقط برای بازی نیستند، بلکه می توانند در صورت ابتلا به بیماری های روانی نیز مفید باشند. درمان مواجهه با واقعیت مجازی در PTSD (اختلال اضطراب پس از سانحه) مفید است. شاید بتوان از رسانه فیلم برای جلوگیری از PTSD در آینده استفاده کرد.

برای جمع بندی، به تصویر کشیدن روانپزشکی در فیلم ها مانند یک سکه است که دو روی دارد. همیشه عاقلانه است که قبل از نتیجه گیری سریع در مورد یک بیماری خاص و ارائه آن بر اساس هوس و هوس خود، کمی تحقیق کنید. بعید است که فیلمسازان بدون سیاست های کنترلی دقیق، از مسیر موجود منحرف شوند. به عنوان بیننده، این وظیفه شخص است که بفهمد چه چیزی اشتباه است و چه چیزی درست است. اما تازمانی که کل برادری روانپزشکی در سراسر جهان نارضایتی خود را از روندهای فعلی رسانه ای ابراز نکنند، به تصویر وحشتناک و کمیک بیماری روانی ادامه خواهند داد و ارزش آنها و همچنین کار متخصصان روانپزشکی را در سراسر جهان بی ارزش خواهند کرد و به این ترتیب انگ مداوم این بیماری ادامه می یابد.







روانفیلم مجله ای است تلفیقی...  
تلفیقی از علم و هنر. در شماره های  
مختلف روانفیلم در مورد موضوعات  
مختلفی از نگاه روانپزشکی و روانشناسی در  
کنار حضور آن ها در هنر با تکیه ویژه بر  
هنر نمایش و آنچه سینما می نامیم سخن  
می گوئیم.

در شماره اول در مورد طلوع سخن گفتیم  
از سر آغاز خود تا سر آغاز آن چیزی  
که قرار است بررسی کنیم در ضمن در  
هر شماره قطعه ای از موسیقی کلاسیک  
برای شما عزیزان به موازات موضوع  
مورد بحث ارائه می کنیم.